

## **Exploring the Concept of Trials from Ibn Sina's Perspective: Relying on the Evaluation of Shahrokhi's Ascension**

**Dr. Mohammadreza Sharifzadeh <sup>1</sup>**

**Dr. Abolfazl Davoudi Roknabadi <sup>2</sup>**

**Dr. Seyyed Mostafa Mokhtabad Amrii <sup>3</sup>**

**Elham Asgari Abyaneh <sup>4</sup>**

### **Abstract**

It stands for a theory that dates back to pre-Plato Greece called Mimesis. Ibn Sina, as a follower of Aristotelian thought, deals with the theory of imitation. In the view of this Muslim philosopher, imitation often means storytelling. Since the Ascension of Prophet Mohammad (PBUH) is one of the most famous Islamic anecdotes and narrations that is required by the Qur'an, and if this event has a picture, if the desire to write it by artists in different periods is a picture that can be the most prominent, They are Shahrokhi's ascension letter. Therefore, in this research, the mentioned image has been studied based on Ibn Sina's theory of imitation and this article intends to answer the question to what extent the studied image, which is one of the images of Herat Teymouri school, has the characteristics of the theory. Do the imitations correspond from Ibn Sina's point of view? The results obtained from this research show that the orthographic artist of Shahrokhi's Ascension letter, according to Ibn Sina's theory of imitation, has both imitated what it was and has used the power of imagination to make it more beautiful or ugly.

**Keywords:** Ibn Sina, Mimesis, Ascension, Herat School, Ascension Shahrokhi

- 
1. Full Professor, Department of Art, Faculty of Art, Islamic Azad University, Central Tehran Branch(Responsible Author)(Moh.sharifzade@iauctb.ac.ir)
  2. Professor of Art Research, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran (davodi@iauyazd.ac.ir)
  3. Professor of Dramatic Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (mokhtabm@modares.ac.ir)
  4. PhD student in Philosophy of Art, Faculty of Art, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran(Hk.elham@yahoo.com)

## بررسی مفهوم محاکات از منظر ابن سینا با تکیه بر ارزیابی معراج نامه شاهرخی\*

محمد رضا شریف زاده<sup>۱</sup>

ابوالفضل داوودی رکن آبادی<sup>۲</sup>

سید مصطفی مختاباد امری<sup>۳</sup>

الهام عسگری ایبانه<sup>۴</sup>

### چکیده

محاکات یا بازنمایی نظریه‌ای است که تاریخ آن از یونان پیش از افلاطون با عنوان میمیسس<sup>۵</sup> آغاز شده است. ابن سینا به عنوان یکی از پیروان تفکر ارسطویی به نظریه محاکات می‌پردازد. در دیدگاه این فیلسوف مسلمان محاکات غالباً به معنای حکایتگری مطرح می‌شود. از آن جا که معراج حضرت محمد ﷺ یکی از مشهورترین حکایات و روایات اسلامی مورد تأیید قرآن است و براساس این واقعه‌نگاره‌های بسیاری به صورت معراج‌نامه توسط هنرمندان در دوره‌های مختلف تصویر شده است که می‌توان گفت یکی از برجسته‌ترین آنها، معراج‌نامه شاهرخی است. از این رو در این پژوهش به بررسی نگاره مذکور براساس نظریه محاکات ابن سینا پرداخته شده است و این مقاله قصد دارد به این سوال پاسخ دهد که نگاره مورد مطالعه که یکی از نگاره‌های مکتب هرات تیموری است تا چه اندازه با ویژگی‌های مطرح شده در نظریه محاکات از منظر ابن سینا مطابقت دارد؟ نتایج به دست آمده از این

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۵

۱. استاد تمام گروه هنر دانشکده هنر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)

(Moh.sharifzade@iauctb.ac.ir)

۲. استاد پژوهش هنر واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی یزد (davodi@iauyazd.ac.ir)

۳. استاد ادبیات نمایشی دانشگاه تربیت مدرس تهران (mokhtabm@modares.ac.ir)

۴. دانشجوی دکتری فلسفه هنر دانشکده هنر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (Hk.elham@yahoo.com)

5. Mimesis

پژوهش نشان می‌دهد که هنرمند تصویرگر معراج‌نامه شاه‌رخ‌ی مطابق با نظریه محاکات ابن سینا هم از آنچه بوده تقلید کرده و هم از قوه متخیله در جهت زیباتر یا زشت‌تر جلوه دادن کمک گرفته است.

#### واژگان کلیدی

ابن سینا، محاکات، معراج‌نامه، مکتب هرات، معراج‌نامه شاه‌رخ‌ی.

#### مقدمه

نظریه محاکات یا بازنمایی<sup>۱</sup> که با عنوان‌های دیگری از قبیل تقلید، نسخه‌برداری و تصویرگری هم شناخته می‌شود از قدیمی‌ترین نظریه‌ها در عرصه فلسفه هنر است، که اولین بار به طور جدی توسط افلاطون مطرح شد. طبق دیدگاه فلاسفه اسلامی هم محاکات از جمله لوازم برخی یا همه هنرهاست. محاکات در دیدگاه ابن سینا معنای عامی دارد که با معنای مورد نظر افلاطون و ارسطو (در نظر آنها محاکات مساوق و مترادف تقلید است) متفاوت است محاکات در نظر ابن سینا به معنای حکایت‌گری است. از آن‌جا که معراج حضرت محمد ﷺ یکی از حکایات مشهور و مورد تأیید اسلامی است در این پژوهش سعی می‌شود شیوه حکایت‌گری این واقعه توسط نگارگر معراج‌نامه شاه‌رخ‌ی که یکی از برجسته‌ترین کتاب‌ها در مورد معراج پیامبر ﷺ است با حکایت‌گری از منظر ابن سینا مطابقت داده شود. به این منظور بعد از تعریف و بررسی محاکات از دیدگاه افلاطون، ارسطو و به تبعیت از او ابن سینا و معرفی معراج‌نامه شاه‌رخ‌ی، ویژگی‌های محاکات از نظر ابن سینا با عناصر بصری نگاره در جدول تطبیق داده شده است.

#### روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف رویکردی بنیادی دارد و شیوه دست‌یابی به نتایج آن توصیفی - تحلیلی است که اطلاعات مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای و از طریق فیش‌برداری تهیه شده است.

#### پیشینه تحقیق

پیش از این پژوهشی که مشخصاً به بررسی و تطبیق نگاره‌های معراج‌نامه شاه‌رخ‌ی با

1. representative

نظریه محاکات پرداخته باشد وجود ندارد. هادی ربیعی و میترا غفاری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «محاکات در نقاشی» به دیدگاه ابن سینا در مورد محاکات در نقاشی می‌پردازند. دو پایان‌نامه کارشناسی ارشد یکی به نام «مطالعه تطبیقی معراج‌نامه شاهرخ (میر حیدر) و نگاره‌های رستاخیز مسیح (ع)» (۱۳۹۰) از علیرضا کریمی به راهنمایی دکتر امیر نصری و دیگری با عنوان «تطبیق تفسیر ابن عربی از واقعه معراج حضرت رسول ﷺ با نگاره‌های معراج‌نامه شاهرخ» از مهدی بدوی با راهنمایی دکتر علی اصغر شیرازی دفاع شده است که در آنها به ویژگی‌های نگاره شاهرخ اشاره شده است، اما در پژوهش حاضر این ویژگی‌ها در تطبیق با محاکات ابن سینا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

#### تقلید، محاکات یا بازنمایی

یکی از قدیمی‌ترین نظریاتی که در حوزه فلسفه هنر توسط فیلسوفان مطرح شده نظریه میمیسس است که به تقلید، محاکات یا بازنمایی نیز ترجمه شده است. می‌توان گفت این نظریه به این شکل نخستین بار توسط افلاطون مطرح شد بعد از افلاطون شاگردش ارسطو نیز نظریه تقلید را با تغییراتی مطرح می‌کند «اساساً هنر تقلید از واقعیت است. هنر آینه‌ای است که هنرمند در برابر طبیعت نهاده است. انسان از تقلید لذت می‌برد که ظاهراً این لذت در حیوانات فروتر از او موجود نیست». فیلسوفان مسلمان هم به تقلید با عنوان محاکات اشاره دارند. و آن را از جمله لوازم برخی هنرها دانسته‌اند. باید توجه داشت که در هر محاکاتی سه عنصر ضروری است: ۱. حاکی (حکایت‌کننده)؛ ۲. محکی (آنچه مورد حکایت واقع می‌شود)؛ ۳. حکایت یا عمل بازنمایی (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۲: ۸۰). ارسطو معتقد است هنرمند نه تنها به بازسازی و تقلید پدیده‌های موجود می‌پردازد بلکه آنها را تغییر نیز می‌دهد. او می‌گوید:

چنان‌که پولی گنوت<sup>۱</sup> فی‌المثل مردم را بهتر از آنچه در واقع هستند تصویر می‌کرد و پوزون<sup>۲</sup> آنها را بدتر از آنچه هستند تصویر می‌نمود و اما دیونی سیوس<sup>۱</sup> آنها را به

۱. پولی گنوت Polygnotos نقاش یونانی در قرن پنجم قبل از میلاد می‌زیست. او در نقاشی به قدرت ترکیب بیشتر اهمیت می‌داد تا شباهت به اصل.

۲. پوزون Pauson نقاش یونانی ظاهراً در قرن چهارم قبل از میلاد می‌زیسته است و بعضی از آثار پولی گنوت را هم مرمت

همان گونه که در واقع چنان اند نمایش می‌داد (زرین کوب، ۱۳۵۷: ۱۱۵).

### محاکات از منظر ابن سینا

ابن سینا از فیلسوفان مسلمانی است که تحت تأثیر ارسطو است. او نیز نظریه محاکات را این گونه مطرح می‌کند. «المحاکات هی ایراد مثل الشی ولیس هوهو» محاکات آوردن چیزی است که مثل شیء است ولی همان شی نیست (ابن سینا، ۱۳۸۶: ۳۲). ارسطو و به تبعیت از او ابن سینا معتقد بودند که هنرمند وقتی اثری را می‌آفریند در واقع می‌خواهد آن موضوع خارجی را در اثر خود حکایت کند. در واقع حکایت‌گری به این معناست که هنرمند با الهام از پدیده خارجی و با بهره‌مندی از آن اثری شبیه به آن را می‌آفریند. محاکات از نظر منشأ و سبب به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. «ذلک کما یحاکی الحیوان الطبیعی بصوره فی الظاهر کالطبیعی و لذلک یتشبه بعض الناس فی احواله ببعض و یحاکی بعضهم بعضا و یحاکون غیرهم مانند آنچه که حیوانات به طور ظاهری تقلید و محاکات می‌کنند و آن مانند رفتار بعضی از انسان‌ها است که از بعضی اعمال دیگران تقلید و محاکات می‌کنند».

منظور محاکاتی است که ناخودآگاه و براساس طبیعت و غریزه انجام می‌گیرد. مثل تقلید کردن طوطی از دیگران بدون آن که معنی و مفهوم کلمات را بداند.

۲. «و من ذلک ما یتبع العاده برخی از محاکات از روی عادت است». مانند تقلیدی که انسان از کسی انجام می‌دهد که دوستش دارد و او را الگو قرار داده است.

۳. «فمن ذلک ما یصدر عن صناعه برخی از محاکات از صناعت ناشی می‌شوند». این نوع تقلید از خلاقیت‌های هنری است. مانند نقاشی و شعر محاکات از نظر ابن سینا معنای عام دارد و به معنای حکایت‌گری است. ابن سینا می‌گوید: «کار شاعر نیز مانند نقاش محاکات کردن است». این فیلسوف بزرگ معتقد است هدف محاکات‌کننده از محاکات می‌تواند متفاوت باشد محاکات صرفاً به معنی تقلید محض نیست گاهی ممکن است توصیف بهتر از آنچه هست باشد و گاه بدتر از آنچه

کرده است. ارسطو در رساله سیاست از او نام برده است و معتقد است نباید آثار او را به جوانان نشان داد.  
۱. دیونیزوس Dionysos یا دیونوسوس، نقاش یونانی معاصر پولی‌گنوت بوده است.

هست «وکل محاكاة فاما أن يقصد بها التحسين و اما أن يقصد بها التقييح، فان شىء انما يحاكي ليحسن أو يقبح». هر محاکاتی یا به دنبال ستایش و تمجید است یا به دنبال مذمت و نکوهش. چون امور بازنمایی می‌شوند برای زشت یا زیبا جلوه دادن آنها. «و اما الاهداف فثلاثة: تحسين و تقبيح و مطابقة» هدف‌های سه‌گانه در محاکات عبارتند از: زیبا جلوه دادن، زشت جلوه دادن، آن‌چنان‌که هست نشان دادن (ابن سینا، ۱۳۸۶: ۳۴).

ابن سینا در دانش‌نامه علائی قوه متخیله را این‌چنین توصیف می‌کند:

قوت متخیله آن است که صورت‌های مصوره را هر یک به یکدیگر پیوندد و یک از دیگر جدا کند تا مردم بر آن مثال داند چنان‌که: صورت کنند دو مردم را و یا نیم پیل را اندر خیال صورت کند. و این قوت همیشه کار کند به ترتیب و تفضیل و به آوردن مانند چیزی و ضد چیزی که هرگه که اندر چیزی نگری وی خیالی دیگر آرد و این طبع وی است». از منظر ابن سینا کار قوه خیال هم محاکات است. «والقوه المتخیله خاصتها دوام الحركة ما لم تغلب علیه السوداء فتخیل له صورا سوداء، ومحاكاة أذكاء سبقت أو محاكاة أفكار رجيت» (ویژگی قوه خیال تا وقتی که مهار نشده، استمرار حرکت است و حرکت آن، همانندسازی اشیا یا بازنمایی اصداد آنهاست. گاهی مزاج را بازنمایی می‌کند، مانند کسی که سودا بر او چیره شده، تصویرهای سودایی را خیال‌پردازی می‌کند، یا خاطرات گذشته را تداعی می‌کند یا به خیال‌پردازی در آرزوهای آینده می‌پردازد) (ابن سینا، ۱۹۵۳: ۵۳).

ابن سینا با اشاره به نقاشی‌های مانوی معتقد است محاکات تنها بازنمایی صورت ظاهری اشیا نیست بلکه می‌تواند حالات را نیز به تصویر بکشد. او می‌گوید نقاشان مانوی غضب را به صورت زشت و رحمت را به صورت زیبا تصویر می‌کنند. همچنین برخی نقاشان فرشتگان را با صورتی زیبا و شیطان را با صورتی زشت می‌کشیدند.

### محاکات یا میمسیس از دیدگاه افلاطون

از نخستین فیلسوفانی که هنر را تقلید یا محاکات معرفی کرد، افلاطون بود. ریشه نظریه بازنمایی را باید در روند تاریخی آن، در نظریه تقلید (میمه زیس) افلاطون جستجو نمود. در ابتدا باید نظر افلاطون را در ضمن تفکر فلسفی او مبنی بر عالم مثال یا ایده مورد توجه قرار داد و سپس نگرش او را درباره هنر فهمید. وی معتقد بود، همه اشیا آفریده شده، بهره‌مند از صور نوعیه یا صورت‌های جاودانه‌شان هستند و هرچه در این عالم به

چشم می‌آید تقلیدی از عالم بالا یا مثل می‌باشد. از این رو تمامی موجودات عالم ماده در یک مرتبه از تقلید عالم برتر یعنی عالم مثال قرار دارند، وی حتی نقاشی‌ها، اشعار نمایشی و آوازه‌ها را به معنای دقیق تقلیدات می‌نامد. از طرف دیگر افلاطون هنرمند را در مرتبه دوم از بیان حقیقت قرار می‌دهد که تقلیدگر و نسخه‌بردار از حقیقت است، و او در پائین‌ترین مرتبه از مراتب چهارگانه شناخت<sup>۱</sup> جای می‌گیرد. بنابراین اثر هنری که زیبایی را مجسم می‌کند، نوعی نسبت مستقیم با صورت مثالی دارد.

آن شپرد در توصیف نظریه تقلید افلاطون می‌گوید:

کیفیات در عالم معقولات، دارای صور مثالی (فرم‌های ایده‌آل)<sup>۲</sup> هستند که مصداق‌های جهان تجربه حسی چیزی جز نسخه بدل یا تصویر آنها نیست... وی سه سطح نسخه‌برداری را شرح می‌دهد، نخست مثال تخت‌خواب، سپس تخت‌خوابی که به وسیله نجار ساخته می‌شود و در مرحله سوم بر همین قیاس تخت‌خواب نقاشی شده، که آن در سطح فروتری قرار دارد و دارای حقیقت کمتری است (شپرد، ۱۳۷۵: ۹).

#### بررسی تطبیقی نگرش افلاطون و ارسطو در باره میمسیس

ارسطو هم در باب تقلید، سخن گفته است، وی در رساله فن شعر یا بوطیقا می‌گوید، فن شعر یک نوع از ابداع تقلید است و آن را به طور مستقیم محاکات و باز نمود اشیاء یا وقایع می‌داند. وی می‌گوید، هنر تقلیدی تقسیم می‌شود به: ۱. هنر تقلید نمودهای بصری با رنگ و طرح؛ ۲. هنر تقلید عمل انسان<sup>۳</sup> از طریق شعر، آواز و رقص. طبیعت و تقلید فراتر می‌رود و به اندیشه‌های خویش تحقق می‌دهد. ارسطو از دو گونه شعر سخن می‌گوید: ۱. شعر نمایشی (تراژیک یا کمیک)؛ ۲. شعر حماسی که تمایز آن از کمدی به واسطه اعمال متینی است که تقلید می‌کند. وی همچنین معتقد است، که تراژدی به دو انگیزه به وجود آمده، که یکی از آن دو تقلید فطری است (ارسطو، ۱۳۳۷: ۱۱۴).

اما فرق ارسطو با افلاطون این است که ارسطو به مانند استاد خویش کار هنرمند را یک تقلید صرف و نسخه‌برداری از طبیعت نمی‌داند، بلکه کار هنرمند را علاوه بر تقلید از عالم خارج، یک نوع خلق و آفرینش براساس ذهن و اندیشه او هم می‌داند، به این

1 Eikasia

2 Ideal forms

3 Praxis

صورت که وی در عین حال که از عالم طبیعت تقلید می‌کند اما از آن فراتر می‌رود و آنچه را که در طبیعت و عالم خارج نیست، محقق می‌سازد. از این رو ارسطو در فن شعر می‌گوید که باید هنر نقاشان توانا را سرمشق قرار داد زیرا آنان در عین حال که طرح دقیق چهره افراد را همچون صورت واقعی آنان ترسیم می‌کنند اما یک قدم پا فراتر می‌نهند و آنان را زیباتر هم جلوه می‌دهند «پس باید هنر صورتگران توانا را سرمشق قرار داد. زیرا که ایشان طرح دقیق چهره اشخاص را چنان بر صفحه می‌آورند که با وجود همانندی و شباهت با اصل، زیباتر از آنست» (همان). یعنی نقاشان هم به واقعیت و تقلید از آن می‌پردازند و هم عناصر ذهنی و درونی خویش را دخالت می‌دهند. گاه هنرمند برتر از طبیعت و گاه همچون طبیعت به تصویر اثر هنری خویش می‌پردازد. به این خاطر شعر نمایشی، تراژدی یا کمدی، تجلی امری فراتر از طبیعت است، زیرا تراژدی واقعیت را پائین‌تر از آنچه که هست نشان می‌دهد و کمدی واقعیت را بالاتر و بهتر از آنچه که در نمونه خارجی آن است، جلوه‌گر می‌سازد.

### معراج‌نامه شاهرخ

از دوره آل جلایر معراج پیامبر ﷺ جز مضامین اصلی نگارگری ایرانی شد. معراج‌نامه شاهرخ منسوب به میر حیدر شاعر بی‌شک یکی از برجسته‌ترین شاهکارهای هنری مکتب هرات است که به طور مستقل به مسئله معراج حضرت محمد ﷺ می‌پردازد. این نسخه خطی مزین به شصت و یک تصویر است که در سده پانزدهم/ نهم در هرات برای دومین امیر تیموری، شاهرخ و احتمالاً توسط سه هنرمند مختلف نقاشی شده است و یکی از سه نسخه باقی مانده از مکتب هرات (تیموری) در فاصله بین دوره بایسنقر و بهزاد می‌باشد که دو نسخه دیگر خمسه نظامی و شاهنامه است.



تصویر شماره ۱. دیدار با فرشته نیمه آتش نیمه برف

### توصیف نگاره دیدار با فرشته نیمه آتش نیمه برف (تصویر شماره ۱)

در بالای اثر نوشته‌ای در دو سطر به خط نسخ عربی و در پائین این قاب نوشته‌ای یک سطر بدون قاب قرار گرفته است. در بالای تصویر نوشته شش سطر و در پائین تصویر سه سطر به خط ترکی اویغوری در توضیح تصویر نوشته شده است کادر تصویر اصلی مستطیل افقی است زمینه کار به رنگ آبی لاجوردی کار شده و بر روی این زمینه آبی ستاره‌ها و ابرهای پیچان طلایی قرار گرفته است. تقریباً یک پنجم از پائین این کار در افقی به رنگ سبز به صورت کوه‌هایی که از دور دیده می‌شوند نشان داده شده است.

### پیامبر ﷺ

پیامبر ﷺ سوار بر براق از سمت راست وارد تصویر شده است. پیامبر ﷺ با لباسی سبز رنگ که چین‌های رو به پایین آن نشان می‌دهد که از کمر بسته شده دیده می‌شوند دنباله این عمامه به صورت هلال وار دور گردن پیامبر ﷺ قرار گرفته است. هاله مقدس آتشین دور پیامبران و اولیای الهی از دیرباز در هنر تصویرسازی و نگارگری ایران دیده می‌شود و ریشه‌ای کهن دارد. این هاله نه تنها به منزله نشانه بصری برای مرتبه تقدس پیامبر بلکه به مثابه ابزاری رسمی برای جداسازی و تاکید بر او نشان داده می‌شود. در نمایش این هاله مقدس فقط از رنگ طلایی استفاده شده که در اطراف و درون آن قلم‌گیری‌های ظریفی مشاهده می‌شود. در بسیاری از نگاره‌های این معراج‌نامه از جمله نگاره‌های این معراج‌نامه از جمله نگاره مورد مطالعه این هاله نورانی از اطراف پیامبر ﷺ

گسترش پیدا کرده و به صورت ابرهای نورانی در کل نگاه و آسمان پراکنده می شود.

### فرشتگان

در معراج نامه شاهرخي فرشتگان به شکل های مختلف به تصویر درآمدند «در ماهیت فرشتگان و این که آنها چگونه موجوداتی هستند، اقوال مختلفی است. اجمال این که آنها موجوداتی غیرمادی هستند که قادرند خود را به اشکال مختلف درآورند و به همه منافذ حتی جوف انسان راه یابند. نفوس ناطقه اگر صاف و خالص باشند، ملائکه و اگر ناپاک و کدر باشند شیاطین نامیده می شوند» (یا حقی، ۱۳۷۵: ۳۲۲). در نگاره مورد مطالعه دو فرشته به تصویر کشیده شده است. یکی فرشته نیمه آتش نیمه برف و دیگر فرشته جبرئیل. فرشته جبرئیل بادوبال گشوده، در حالی که دست راستش بر روی دستاری است که بر کمر بسته و با دست چپش به پیامبر ﷺ اشاره دارد به حالت دوزانو در مقابل پیامبر ﷺ قرار گرفته است. در این نگاره پاهای جبرئیل به صورت شعله آتش و موج تصویر شده است. نمایش پاهای آتش گونه برای اکثر ملائکه به تفاوت آنها از انسان ها و به خلقت آنها از نور اشاره دارد. پیامبر ﷺ می فرمایند:

فرشتگان از نوری آفریده شده اند و جنیان از اشرار آتش و آدم از همان چیزی که (در قرآن) برایتان وصف شده است (ری شهری، ۱۳۷۷: ۵۶۱۳).

در سمت چپ نگاره فرشته ای عجیب دیده می شود که نیمی از آن به رنگ سفید و نیمی دیگر به رنگ طلایی و دورگیری های موج قرمز تصویر شده است و در هر دو دست تسبیحی دارد و با صدایی همانند تندر تسبیح خدا را می گوید. طبق روایات صدای تندر نتیجه حرکت مهره ها هنگام توسل و دعای فرشته است. این تسبیح ترکیبی از سه گروه مهره است که هر کدام با دو مهره بزرگ تر از دیگری جدا شده اند. طبق سنت شماره مهره ها باید جمعا یکصد عدد باشد. تعداد نماد گونه ای که نود و نه اسم از صفات ملکوتی با آن ذکر می شود که منعکس کننده شور و شعف ماورایی است (رزسگای، ۱۳۸۵: ۵۰).

پیامبر ﷺ می فرمایند:

پس ملکی را دیدم که حق تعالی او را بر خلقت عظیمی خلق کرده بود، نصف بدن او از آتش بود و نصف بدن او از برف، نه آتش برف را می گداخت و نه برف آتش را خاموش می کرد و به او صدایی بلند ندا می کرد که تنزیه می کنم خدایی را که

حرارت این آتش را نگه داشته است که برف را نگذارد و سردی این برف را نگاه داشته است که آتش را خاموش نکند، ای خداوندی که الفت داده‌ای میان آتش و برف الفت ده میان دل‌های بندگان مؤمن خود (علامه مجلسی، ۱۲۶۰ق: ۷۰۹).

نگارگر این فرشته عجیب را به صورت تمام رخ با نگاهی خیره به روبرو تصویر کرده است. گویی در خلسه عارفانه فرورفته است.

### براق

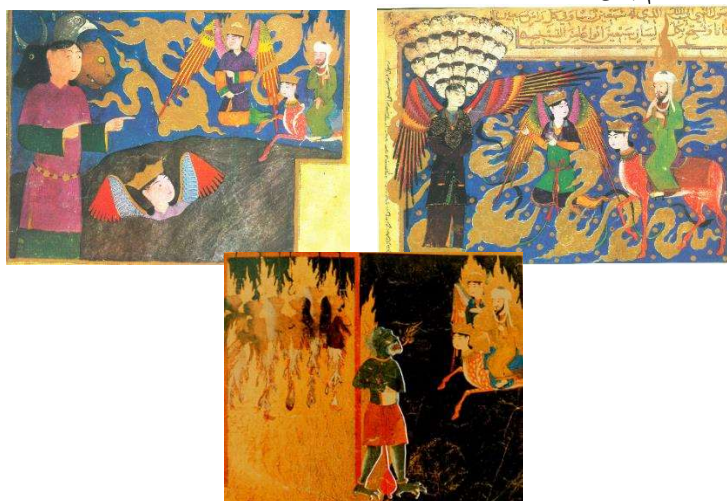
در این نگاره پیامبر ﷺ سوار بر مرکب براق نمایش داده شده است. براق که از ریشه برق گرفته شده است. مرکب پیامبر ﷺ است که در سرعت همچون برق عمل می‌کند. در معراج‌نامه بدن براق به صورت نیمرخ نشان داده شده است. پاهایی بلند و کشیده دارد که ترکیبی از پاهای شتر و اسب است. دم باریک و بلند آن به صورت منحنی القای حرکت می‌کند. در نگاره مذکور براق به رنگ قرمز با لکه‌ها و تزیینات زرد تصویر شده است. سر براق مانند انسان با صورتی گرد و سفید، چشم و ابرو به شیوه مغولی و لب‌ها کوچک ترسیم شده است. موهای او از طرفین سرآویزان است و سرموها گرد نشان داده شده است. براق کلاه زرین مغولی بر سر دارد و اتصال سربه بدن گردنبندی پوشیده شده است.

### تطبیق نمونه‌های تصویری نگاره با مفهوم محاکات ابن سینا

در معراج‌نامه شاه‌رخ‌ی پاره‌ای از عناصر و تصاویر استفاده شده است که هر یک از آنها در سنت اسلامی دارای معنای خاصی است. به طوری که هر تصویر حکایت‌گر یک معناست. به طور مثال تقدس و آسمانی بودن پیامبر با هاله قدسی بیان شده است و هاله قدسی تجلی عظمت، شکوه و آسمانی بودن شخصیت نبوی است و می‌توان گفت که شعله محاکاتی از تقدس و عظمت پیامبر است. یا براق محاکاتی از اسبی است که توانایی دارد تا پیامبر را به آسمان‌ها ببرد و در تجربه نبوی حضور داشته است. یا فرشته نمازگذار تصویری از موجودات آسمانی است و مفهوم نمازگذاری محاکات و کنایه‌ای از پاکی و مجاورت فرشتگان با خداوند بزرگ است.

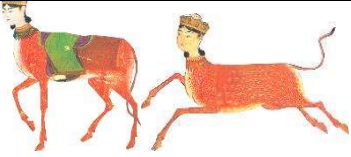
هنرمند تصویرگر در تصویر کردن برخی از فرشتگان از ویژگی زیبا جلوه دادن استفاده کرده است، در این نگاره فرشته جبرئیل با سر و صورت انسان و تاجی بر سر،

همراه با بال‌های رنگارنگ تصویر شده است. درنگاره‌های مربوط به بخش دوزخ از همین معراج‌نامه مجازات‌کنندگان با ویژگی زشت جلوه دادن به تصویر کشیده شده‌اند. استفاده از قوه متخیله را در تصویر فرشته نیمه آتش نیمه برف و فرشته‌های دیگری مثل فرشته نمازگذار با هفتاد سر (تصویر شماره ۲) فرشته‌ای عجیب که هر یک از سرهایش هفتاد زبان دارد و هر زبان، به افتخار پروردگار بلند مرتبه به هفتاد شکل عبادت می‌کند «بعضی از اسطوره‌ها از موجودات چند سر صحبت می‌کند که نماد عددی، با جنبه‌های مختلف ظهورشان، ترکیب می‌شود» (سگای، ۱۳۸۵: ۸۹). و فرشته‌ای با چهار سریکی به شکل انسان، یک سر به شکل شیر، سر دیگر مانند عنقا و دیگری مانند گاو (تصویر شماره ۳)، می‌توان دید. «طبق باور اسلامی، حاملان عرش الهی به چهار شکل ظاهر می‌شوند: به شکل انسان و گاو (که انسان و حیوانات باری (اهلی) را شفاعت می‌کنند) و فرشته و شیر (که پزندگان و حیوانات وحشی را شفاعت می‌کنند)» (همان) تصویرگر برای ترسیم براق هم از قوه خیال بهره می‌گیرد، مطابق با آن بخش از سخن ابوعلی سینا که می‌گوید: «قوت متخیله آن است که صورت‌های مصوره را هر یک به یکدیگر پیوندند و یک از دیگر جدا کند تا مردم بر آن مثال داند چنان‌که: صورت کنند دو مردم را و یا نیم پیل را اندر خیال صورت کند.



تصویر شماره ۲. دیدار با فرشته نمازگذار تصویر شماره ۳. دیدار با فرشته چهار سر تصویر شماره ۴. شکنجه دوزخیان

جدول شماره ۱. تطبیق محاکات ابن سینا با نمونه تصویری نگاره شاهرخ

| نمونه تصویری                                                                        | محاکات از منظر ابن سینا                                                                               |
|-------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|    | زیبا جلوه دادن (فرشته جبرئیل)                                                                         |
|    | زشت جلوه دادن (مجازات کنندگان)                                                                        |
|   | آن چنان که هست نشان دادن (پیامبر)<br>از هاله قدسی برای نشان دادن تقدس و عظمت پیامبر ﷺ استفاده شده است |
|  | قوت متخیله (فرشتگان)                                                                                  |
|  | صورت های مصوره (براق)                                                                                 |

## نتیجه گیری

همان طور که در تعریف محاکات یا میمسیس از دیدگاه ابن سینا بیان شد در مسئله محاکات که به معنای حکایت گری و بازنمایی است لزوماً قرار نیست که در بیان هنری از یک مفهوم یا اثر، هنرمند کاملاً تقلیدگرایانه و یا رئالیست باشد، بلکه در نظریه محاکات تکیه بر این است که هنرمند به گونه ای به بازآفرینی یک موضوع بپردازد، که

گفته می‌شود، هنرمند آن سوژه را در عالم خارج در اثر خویش به ظهور رسانده است و کلیه اجزاء و عناصر یک تصویر می‌تواند دلالت بر مفاهیم ذهنی هنرمند داشته باشد و قابل تأویل است.

بر این اساس می‌توان گفت که هر یک از اشکال و ایماژهایی که در معراج‌نامه شاه‌رخ وجود دارد دارای معنا و مفهوم الاهیاتی و مذهبی است. به طوری که وقتی از براق سخن گفته می‌شود منظور همان مفهومی است که در متون دینی درباره مرکب پیامبر ﷺ هنگام معراج سخن گفته شده است، یعنی حکایت گر همان اسبی است که پیامبر ﷺ در هنگام معراج بر روی آن سوار شده بود و به آسمان رفت. بنابراین در این جا بدون آن که به تعبیر ابن سینا نظریه محاکات بخواهد ما را صد درصد به همان موجود خارجی برساند تنها کمک می‌کند تا آن مفهوم را درک کنیم. در واقع در این جا ما از سبک رئالیسم<sup>۱</sup> فاصله می‌گیریم ولی نسبت به عالم واقع بی تفاوت هم نیستیم. اساساً نظریه محاکات یا بازنمایی ما را در برابر نظریه فرانمایی یا بیان قرار می‌دهد که تا حدی محصول دوران مدرن و پس از تفکر دکارتی است که هنرمند از عالم خارج فاصله دارد و بیشتر به سمت سوژکتیویسم<sup>۲</sup> گرایش دارد و تلاش می‌کند تا جهان ذهنی خود را در اثر بیان نماید و در بیان مفاهیم، احساسات و عواطف ذهنی خود به طوری از نمادها و نشانه‌ها استفاده می‌کند و آن را به تصویر می‌کشد که مخاطب گاه ممکن است به هیچ وجه معنایی را از جهان‌ش درک نکند. ولی در نظریه محاکات هر یک از ایماژها و عناصر در تصویر معراج‌نامه شاه‌رخ دارای معادل معنایی است و حکایت از مفاهیمی دارد که در ذهن خالق اثر هنری وجود داشته است و مطابق با محاکات ابن سینا گاه آنها را آن چنان که باید، گاه بهتر و گاه بدتر از آنچه باید به تصویر کشیده است.

## منابع

۱. ابن سینا، حسین ابن عبدالله (۱۳۸۳)، *طبیعیات دانش‌نامه علایی*، مصحح: محمد

مشکوه، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.

1 Realism

2 Subjectivism

۲. ابن سینا، حسین ابن عبدالله (۱۳۸۶ق)، *الشعر من کتاب الشفاء*، قاهره: الدارالمصريه للتألیف والترجمه.
۳. ابن سینا، حسین ابن عبدالله (۱۹۵۳م)، *رساله فی ما تقد در عنده من الحکومه*، تحقیق: حلمی ضیاء اولکن، استانبول: دانشکده ادبیات.
۴. ارسطو (۱۳۳۷)، *هنر شاعری*، ترجمه: فتح الله مجتبایی، تهران: بنگاه نشر اندیشه.
۵. ربیعی، هادی؛ غفاری، میترا (۱۳۹۷)، «محاکات در نقاشی از دیدگاه ابن سینا»، *حکمت معاصر*، سال نهم، شماره ۱.
۶. رزسگای، ماری (۱۳۸۵)، *معراج نامه سفر معجزه آسای پیامبر ﷺ*، ترجمه: مهناز شایسته فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
۷. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۷)، *ارسطو و فن شعر*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. شیرد، آن (۱۳۷۵)، *مبانی فلسفه هنر*، ترجمه: علی رامین، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۹. عباسی، علی؛ پیراوی نیک، مرضیه؛ نیکونژاد، محبوبه (۱۳۹۲)، «چند سوییگی معنایی آتش در معراج نامه تیموری»، *جلوه هنر*، شماره ۱۰.
۱۰. مجلسی، محمدباقر (۱۲۶۰ق)، *تاریخ انبیاء ﷺ (حیوة القلوب)*، بی جا: بی نا.
۱۱. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷)، *میزان الحکمه (با ترجمه فارسی)*، قم: دارالحديث.
۱۲. هاشم نژاد، حسین (۱۳۹۲)، *زیبایی شناسی در آثار ابن سینا، شیخ اشراق و صدر المتألهین*، تهران: انتشارات سمت.
۱۳. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۵)، *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*، تهران: انتشارات سروش، دوم.